

یازدهم دی، روز تجدید پیمان با یارانمان

پیام به مسیحیان ایران، به مناسبت آغاز سال دو هزارویک

هم وطنان مسیحی!

ملیت‌های جغرافیایی ایران به لحاظ حقوقی و برخورداری از آزادی و عدالت اجتماعی برابر هستند. مسیحیان عزیز ایرانی! از همین آستانه سال جدید هم گام با سایر "دیگر باوران" زیر پرچم آزادی و دموکراسی برای ایران متحدانه برداریم، و بر این باور مهر تأیید زنیم که جز با اتحاد و مبارزه ما، رژیم فئودالیستی جمهوری اسلامی بر نخواهد افتاد.

با امید و باور روزی که هیچ رژیم مذهبی‌ای در هیچ کجای دنیا بر قرار نباشد، برای همه مسیحیان ایران و جهان آزادی سال و سالیانی به و بهتر داریم.

کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی

پاریس ۲۹ دسامبر ۲۰۰۰

متشکل از:

حزب دمکرات کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

فرارسیدن سال دوهزارویک را به شما هم وطنان گرامی و هم چنین به همه مسیحیان جهان تبریک می گوئیم. با تقویم شما، قرن و هزاره‌ای دیگر آغاز می‌شود، که اگرچه این چرخش قرن می‌تواند آئینه‌دار زمان باشد ولی در نفس خود نمی‌تواند طلایه‌دار آزادی و عدالت اجتماعی برای همه بشریت باشد. این شما هستید که با سرسختی برای این دو واژه و تحقق آن بایستی قدم در راه داشته باشید و تغییر و تحول بر توانایی‌های نهفته در ماست که می‌تواند آینده‌ساز باشد.

شما، یهودیان ایران و بهائیان ایرانی در هماره تاریخ به عنوان "اقلیت مذهبی" بوده‌اید و بر همین عنوان حقوقی و اجتماعی بوده که بر شما ستم روا می‌داشتند. با ظهور بختگی به نام جمهوری اسلامی که یک رژیم مذهبی جنایت‌کار است شما شهروند درجه دوم شدید و ستم بر شما دوگانه شد و این در حالی‌است که همه مسیحیان و یهودیان و بهائیان و حتی بخشی از مسلمانان - که به زعم جنایت‌پیشگان حاکم رژیم سنی‌باور هستند - با همه دیگر

« خیال کردی علیرضا شکوهی هستی؟ زیادت را باز

می‌کنیم! »

یازدهم دی ماه، روز شهادت قهرمانانه رفیق علیرضا شکوهی - نخستین دبیر اول سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - در زیر شکنجه‌های جلدان رژیم اسلامی را هر ساله بعنوان یادمان جان باختگان راه کارگر، گرامی می‌داریم. در این روز، با ۹ عضو کمیته مرکزی و صد ها عضو و هوادار سازمان، که در سنگر آزادی و سوسیالیسم جان باخته‌اند، تجدید پیمان می‌کنیم؛ یاد همه جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی می‌داریم، و مقاومت در برابر ستم و ستم‌گر را می‌ستائیم. ما « شهادت‌طلب » و قهرمان پرست نیستیم، اما آنانی را که در دفاع از زندگی و آزادی و برابری انسان‌ها، قهرمانانه به استقبال مرگ می‌روند، ستایش می‌کنیم و قدر می‌شناسیم.

علیرضا شکوهی و آن زنان و مردان راه کارگری که برای برگرفتن پرچم این اسطوره، از جاباهای خونین‌اش عبور کردند، جزئی از صف طولانی جویندگان خورشید بودند، که جان گرامی‌شان را هم چون اخگرهای برجهیده از زیر تازیانه و ساتور، بر آسمان تاریخ شب‌های این سالیان ظلم و ظلمت هدیه کردند، تا چشمان مردم، روشنائی را از یاد ببرند.

هیئات اگر « اوین » با مهمان داری از « دوم خردادی‌ها » اعتبار دوران ستم‌شاهی‌اش را بازیافته باشد! تاریخ مقاومت در زندان‌های جمهوری اسلامی، به بسیار پیش از « دوم خرداد » برمی‌گردد و مظاهر مقاومت قهرمانانه در برابر رژیم جمهوری اسلامی، نمی‌تواند کسانی باشند که حتا حالا که قربانی رژیم خود ساخته شده‌اند، نه تنها حاضر نیستند به مسئولیت خود در مهندسی این رژیم آدم‌کش و سرکوب‌گر اعتراف کرده و بخاطر هم‌کاری یا هم‌دلی یا سکوت بیست ساله‌شان در قبال سرکوب‌ها و جنایات و ترورها و قتل‌عام‌های حکومت اسلامی، از مردم ایران و از خانواده قربانیان بی‌شمار این رژیم اسلامی پوزش بخواهند، بلکه بمنظور توجیه هم‌دستی و هم‌داستانی‌شان با چنین رژیمی در این بیست سال، تلاش‌شان بر این است که تاریخ مقاومت را از « دوم خرداد » بنویسند و بر روی مقاومت‌ها و قهرمانی‌های بیست سال گذشته، حجاب اسلامی بر افکنند!

بیست و دو سال است که به بند می‌کشند؛ شکنجه می‌کنند؛ تجاوز می‌کنند؛ می‌کشند؛ ترور می‌کنند؛ قتل عام می‌کنند ... بیست و دو سال است که « آری » می‌خواهند، و « نه » ی خونین بر ریش و مقنعه بقیه در صفحه ۲

"اجلاس اجتماعی جهانی"

اجلاس

"آلترناتیو جنوب"

در «پرتو الجبر» در

برابر اجلاس "داوس"

درف صفحه ۲

روبن مارکاریان

آنچه ما می‌خواهیم!

قطع نامه‌ی پناه جویان ایرانی در ترکیه

درف صفحه ۴

نامه‌ی جمعی ۱۱۰۰ پناهنده

از وان-ترکیه! در صفحه ۴

از چه می‌ترسند؟

برهان

می‌گویند که تحقیقات دوساله شان ، اعترافات

متهمان و همه مستندات نشان می‌دهند :

- که قتل‌های زنجیره‌ای، هیچ ربط مستقیم یا غیرمستقیمی به رژیم جمهوری اسلامی، به رهبر، به هاشمی رفسنجانی، به فلاحیان و ذری نجف آبادی - وزرای اسبق و سابق اطلاعات - نداشته است؛

- که این قتل‌ها کار یک محفل خودسر در وزارت اطلاعات بوده است؛

- که هیچیک از روحانیون، به این محفل خودسر فتوای قتل نداده است؛

- که این محفل خودسر، به منظور بدنام کردن وزارت اطلاعات و نظام اسلامی و ایجاد بحران، دست به این جنایات زده است؛

- که سرخ این محفل خودسر، در دست دشمنان خارجی و دستگاه جاسوسی اسرائیل بوده است.

این حرف‌ها را همان ابتدا و بدون هیچگونه «تحقیقاتی» هم زدند. پس لابد تحقیقات و بقیه در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۲ یازده دی ماه.....

مقدس شان تُف می‌شود. بیست و دو سال است که مقاومت می‌شود و مقاومت قهرمانانه، هم چنان ادامه دارد. هنوز هم زندان‌های رژیم اسلامی، از تهران گرفته تا مهاباد، از تبریز گرفته تا زاهدان، از رشت گرفته تا شیراز، و از کرمان گرفته تا اصفهان، پر از زنان و مردانی است که قهرمانانه در برابر حاکمیت ظلم و زور، مقاومت می‌کنند؛ قهرمانانی ناشناخته و گمنام، که نه شهرت جهانی و مرکزیت خبری دارند، تا کسی را پروای شکنجه واقعی و قتل‌شان باشد؛ نه در زندان «تلفن هم‌راه» دارند؛ نه وکلای مجلس برای حمایت‌شان کمیته درست می‌کنند و دسته دسته به ملاقات و دل‌جوئی‌شان می‌روند؛ نه برای افطار با وزرا و صاحب‌منصبان دولتی و رسانه‌ای، به مرخصی فرستاده می‌شوند؛ نه امکان آن را دارند که حرف‌های‌شان را در مطبوعات به چاپ برسانند؛ و نه حتی فریادهای مظلومانه‌شان در شکنجه‌گاه‌ها، جز به گوش خودشان می‌رسد.

راه کارگر به همه این قهرمانان گمنام ولی حقیقی، و مدافعان صدیق و پی‌گیر آزادی و برابری در زندان‌های اسلامی ایران درود می‌فرستد. **راه کارگر**، به هر اندازه افشاگری و مقاومت علیه رژیم استبداد مذهبی و تروریسم حکومتی در زندان‌های سیاسی - از سوی هر کس که باشد - ارج می‌گذارد.

راه کارگر به قهرمانان مبارزه در راه آزادی و برابری در زندان‌های جمهوری اسلامی، دروهای آتشین می‌فرستد؛ از آزادی و آزادی عقیده و بیان همه زندانیان سیاسی و عقیدتی (صرف‌نظر از گرایش‌ها و عقایدشان) بی‌قید و شرط و قاطعانه دفاع می‌کند؛ مخالفت خود با شکنجه و اعدام را تکرار، و با خانواده‌های قربانیان رژیم اسلامی و زندانیان سیاسی و عقیدتی صمیمانه ابراز همبستگی می‌کند. **راه کارگر** از حق‌طلبی خانواده‌های قربانیان قتل‌های سیاسی در ایران و خانواده‌های کسانی که بجرم پی‌گیری این پرونده زندانی شده‌اند، به گرمی پشتیبانی می‌کند.

راه کارگر، مقاومت قهرمانانه در اسارت‌گاه‌ها و در زیر شکنجه را عاشقانه می‌ستاید؛ اما به رهائی‌ی توده‌ها توسط قهرمانان باور ندارد. آنگاه که برده‌داران برای شاسائی و بردن «اسپاراقکوس» قهرمان می‌آیند و همه بردگان برمی‌خیزند که : «هنم اسپاراقکوس»، زمان رهائی توده‌ها از بردگی، فرا رسیده است. کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

یازدهم دی ماه ۱۳۷۹

دنباله از صفحه ۱ از چه می‌ترسند؟

اعترافات متهمین، همان حرف‌های اول را ثابت کرده است. اما مردم ایران، نه در آن ابتدا این ادعاها را باور کردند، و نه حالا می‌کنند. در چنین وضعیتی، چرا کار به دستان نمی‌آیند اسناد مربوط به پرونده و سفره همه این تحقیقات و اعترافات را جلو چشم مردم پهن کنند، تا مردم را از ناباوری در بیاورند و ثابت شود که راست می‌گویند و چیزی برای پنهان کردن و ترسی از آشکارشدن حقایق ندارند؟! *

می‌گویند که مخالف این قتل‌ها بوده و هستند، و طالب آن‌اند که همه حقایق مربوط به این پرونده، آشکار، و همه سرنخ‌های آن «غده چرکین در وزارت اطلاعات»، کشف شود.

پس چرا بجای فراخوان دادن به مردم که هرکس در این باره اطلاعاتی دارد بدهد، کسانی را که اطلاعاتی داشتند و کسانی را بر پی‌گیری حقایق پافشار بودند، دستگیر، محاکمه و محکوم کردند؟! *

می‌گویند که سه نفر از متهمین، آمر قتل‌ها، و هفده متهم دیگر، عاملان و مجریان قتل‌ها بوده‌اند. چرا اسم این هفده قاتل، مخفی نگاه داشته شده است؟! چرا این هفده قاتل، که علاوه بر آدم‌کشی، منطقاً به عضویت در یک «محفل وابسته به دشمنان خارجی» و اقدام برای «بدنام کردن وزارت اطلاعات و نظام» و «ایجاد بحران» (یعنی متهم به اقدام علیه امنیت کشور) نیز متهم هستند، تا آغاز محاکمات، آزاد بوده‌اند؛ چرا در حالی که وکلای شاکیان خصوصی قاتلان، از وکالت محروم و زندانی شده‌اند، هنوز پانزده تن از قاتلان، آزاداند؟! *

می‌گویند که سعید امامی، بالاترین آمر قتل‌های زنجیره‌ای بوده است. می‌گویند دلیل آن که اعترافات سعید امامی را از پرونده قتل‌های زنجیره‌ای حذف کرده‌اند، این است که اعترافات او ربطی به قتل‌های زنجیره‌ای نداشته است.

چطور ممکن است اعترافات «بالاترین آمر قتل‌های زنجیره‌ای»، ربطی به قتل‌های زنجیره‌ای نداشته باشد؟! *

می‌گویند که جنبه «امنیت ملی» پرونده قتل‌های زنجیره‌ای در این است که دشمنان و عوامل داخلی آنان قصد داشته‌اند با این قتل‌ها، دستگاه امنیتی و رژیم را بدنام کرده، و امنیت ملی را به خطر بیندازند. می‌گویند که محاکمات را به این سبب غیرعلنی برگزار می‌کنند که مسائل امنیت ملی مطرح است.

آیا از آن می‌ترسند که اگر دادگاه علنی باشد، متهمان اعتراف کنند که یک محفل خودسر بوده‌اند و سعید امامی بالاترین آمر بوده و سرنخ‌اش به دشمنان خارجی وصل بوده است؛ و با این اعترافات، امنیت ملی به خطر بیافتد؛ یا می‌ترسند که ...؟؟!

«اجلاس اجتماعی جهانی»

اجلاس

«آلترناتیو جنوب»

در «پرتو الجر» در برابر

اجلاس «داوس»

روبن مارکاریان

نیروهای چپ، مترقی و ضدسرمایه‌داری یک گردهم‌آئی بزرگ در سطح جهانی با شرکت بیش از ۲۵۰۰ نفر از فعالین کارزارهای ضدسرمایه‌داری را فراخوانده‌اند. این گردهم‌آئی درست هم‌زمان با گردهم‌آئی «داوس» تشکیل می‌شود و در حقیقت یک اجلاس آلترناتیو در برابر اجلاس «داوس» است. اجلاس داوس مهم‌ترین تجمع «گردهم‌آئی اقتصادی جهانی» است که در زیر به طور مختصر به ترکیب و کارکرد آن اشاره می‌کنیم.

«گردهم‌آئی اقتصادی جهان» نشست اختصاصی نخبگان سرمایه‌ جهانی برای ایجاد هم‌رأئی در مورد مسائل مهم اداره نظام جهانی سرمایه‌داری است. مسائل مورد بررسی در این گردهم‌آئی‌ها طیف وسیعی را در بر می‌گیرد که شامل بررسی سیاست‌های اقتصادی و نحوه عملی ساختن آن‌ها، ایجاد هماهنگی در حادترین مسائل ژئوپولیتیک منطقه‌ای، هماهنگی دفاع از روند جهانی شدن سرمایه و توجیه مشروعیت آن و ... می‌باشد. «گردهم‌آئی اقتصادی جهان» یک اطاق بازرگانی در سطح جهانی و یا یک گروه واسطه برای جوش دادن کسب‌وکار چندملیتی‌ها نیست بلکه مرکزی برای تبادل نظر و تفاهم میان گردانندگان سرمایه جهانی است که برخی آن را اولین انترناسیونال سرمایه خوانده‌اند.

«گردهم‌آئی اقتصادی جهانی» متشکل از ۹۶۸ سازمان است که همه آن‌ها از بزرگترین و قدرت‌مندترین چندملیتی‌های جهان تشکیل شده‌اند. کافی است که به چند نمونه آن‌ها اشاره کنیم؛ در عرصه صنعت نفت (آکسون، شوئن و شل)، اتومبیل (فورد، جنرال موتورز، میتسوبیشی)، کامپیوتر (میکروسافت، ای‌بی‌ام و یاهو)، بانک (سیتی بانک، چیس مانهاتان، دویچه بانک)، موادغذائی (کوکاکولا، نستله)، دخانیات (فیلیپ موریس، بریتیش-آمریکان).... بسیاری از این چندملیتی‌ها سابقه بسیار دهشناکی در نقض حقوق بشر و هم‌کاری با نظام‌های سرکوب‌گر، نقض قوانین کار، تخریب محیط زیست، نقض قوانین مربوط به تجارت و سوء استفاده‌های کلان مالی داشته‌اند. بر اساس گزارش «سازمان تجارت و توسعه» سازمان ملل حدود هفتاد درصد تجارت جهانی و هشتاد درصد سرمایه‌گذاری‌ها توسط شرکت‌های چندملیتی انجام می‌شود. ساموئل هانتینگتون

بقیه در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۲ اجلاس اجتماعی جهانی

سیاست‌شناس محافظه کار می‌گوید: "در واقعیت امر جماعت داوز همه نهادهای بین‌المللی، بسیاری از حکومت‌ها و اعظم ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی جهان را اداره می‌کنند."

این نهاد در سال ۱۹۷۱ توسط "کلاوس شواب" یک پروفیسور تجارت سوئیسی بنیاد نهاده شد. کنفرانس‌ها در آغاز کار در سطح اروپائی و با حمایت کمیسیون اتحاد اروپا عمل می‌کردند اما در دهه هفتاد و بویژه هشتاد شعاع کار آن‌ها گسترش یافته و به صورت کنونی در آمدند.

مهم‌ترین اجلاس "گردهم‌آئی اقتصادی جهانی" در ژانویه هر سال در شهر داوز (Davos) سوئیس برگزار شده و مسائل مهم اقتصادی، سیاسی و تجاری سال پیش‌رو را در برابر خود قرار می‌دهد. علاوه بر گردهم‌آئی سالانه داوز، نهاد مزبور هر ساله کنفرانس‌های منطقه‌ای برگزار می‌کند که ابعاد آن کوچک‌تر از گردهم‌آئی داوز و معطوف به هماهنگی سیاست‌های منطقه‌ای است. از جمله کنفرانس‌های منطقه‌ای می‌توان از کنفرانس‌های منطقه‌ای برای (اروپا-آسیا)، آمریکای جنوبی، آمریکای شمالی، منطقه جنوبی آفریقا، اروپای (میانی-شرقی)، آسیای جنوب شرقی و اقیانوسیه نام برد. علاوه بر کنفرانس‌های دوره‌ای و منظم "گردهم‌آئی اقتصادی جهانی" دارای طیف متنوعی از گروه‌های تخصصی است که بطور نامنظم و معمولاً به موازات اجلاس داوز تشکیل جلسه می‌دهد که از جمله آن‌ها می‌توان به گروه‌های کلپ رهبران رسانه‌ها، گردهم‌آئی غیررسمی وزرای تجارت ۱۳ کشور صنعتی، گردهم‌آئی غیررسمی سردبیران و مفسرین مطبوعات، گردهم‌آئی دانشگاهیان و متخصصین و نام برد. این گروه‌ها معمولاً سیاست‌ها را هماهنگ کرده و در برخی موارد بیانیه‌هایی نیز صادر می‌کنند.

در اجلاس امسال داوز زیر شعار "پل زدن بر شقاق‌ها؛ خلق راهبردی برای آینده جهانی" حدود ۳۰۰۰ نفر از نخبگان نام‌برده در بالا شرکت دارند. در طی یک هفته لااقل ۳۰۰ گردهم‌آئی رسمی و غیررسمی برای هماهنگی در تصمیم‌گیری‌ها تشکیل خواهد شد.

امسال نیز هم‌چون سال گذشته یک آکسیون اعتراضی و یا ضداجلاس در شهر داوز به نام "نگاه افکار عمومی بر داوز" برگزار خواهد شد که مجموعه‌ای از جریانات آن را سازمان داده‌اند. اما مهم‌تر از ضداجلاس نام‌برده، اجلاس آلترناتیوی است که در برزیل به ابتکار حکومت «پرتوالجر» و با شرکت حداقل ۲۵۰۰ نفر از فعالین کارزارهای دوره اخیر و نیز با حمایت و شرکت برخی از چهره‌های چپ و مترقی در سطح بین‌المللی برگزار خواهد شد. "اجلاس اجتماعی

جهانی" تلاشی خواهد بود برای ارائه یک آلترناتیو در برابر الگوی مسلط نئولیبرالی و عواقب فاجعه‌بار آن در سطح جهانی با اتکا بر تبادل نظر میان جنبش‌های گوناگون طبقاتی، اجتماعی، مدنی، شهروندی، نمایندگان پارلمان‌ها، شخصیت‌های فعال کارزار علیه نئولیبرالیسم و نیز گروه‌بندهای بسیار متنوع سیاسی که در یک سال اخیر علیه عواقب سیاست‌های نئولیبرالی مبارزه کرده و یا از این مبارزات حمایت کرده‌اند.

برخلاف اجلاس "داوز" که در میان کوه‌های پوشیده از برف شهر داوز سوئیس تشکیل شده و در آن نخبگان سرمایه‌داری جهانی به دور از نظارت مردمی، در غیاب رسانه‌های واقعی و از بالای سر پارلمان‌ها و نمایندگان منتخب مردمی تلاش می‌کنند شهروند جهان امروزی را قربانی سوداندوزی‌های سیری‌ناپذیر مشتی سرمایه‌سالار ساخته و سیاست‌های ضداجتماعی و ضدزیست‌محیطی را بر سراسر جهان حاکم کنند "اجلاس اجتماعی جهانی" می‌خواهد این پیام را به سراسر جهان مخابره کند که الگوی دیگری از سازماندهی جامعه ممکن است. الگویی بر مبنای تعمیق آزادی‌ها بجای تضعیف و امحاء گام به گام آن‌ها به سود انحصاراتی که هر روز بیش از پیش از کنترل و نظارت می‌گریزند، برقراری برابری بجای تبعیضات هر دم فزاینده در جهان امروزی، ایجاد همبستگی میان همه آحاد جامعه بشری و میان بشراامروزی و طبیعت بجای تعمیق شکاف میان کشورهای مادر و حاشیه سرمایه‌داری (یا همان شمال و جنوب) و افزایش فاصله میان داراها و ندارها در هر دو بخش جهان.

بر خلاف اجلاس "داوز" که در ثروت‌مندترین کشور سرمایه‌داری برگزار می‌شود "اجلاس اجتماعی جهانی" در برزیل یکی از کشورهای جنوب که قربانیان سیاست‌های نئولیبرالی در سطح جهانی است برگزار می‌شود. کشوری که نامش فوراً میلیون‌ها کودک خیابانی را به ذهن متبادر می‌سازد. "اجلاس اجتماعی جهانی" در همان حال در بخشی از برزیل برگزار می‌شود که "حزب کارگران برزیل" در آن قدرت را در دست دارد و طی چند سال گذشته توانسته است دموکراسی مشارکتی را در سراسر این استان بزرگ که بیش از یک میلیون جمعیت دارد برقرار کرده و مشارکت مردمی بی‌نظیری را در اداره امور به وجود آورد.

باز هم برخلاف داوز، که فقط خبرنگاران رسانه‌های "خودی" (بنگاه‌های رسانه‌ای چندملیتی‌های) حق حضور در محوطه اجلاس و مذاکرات را داشته و بسیاری از خبرنگاران و رسانه‌های مستقل از حضور در آن محروم هستند، "اجلاس اجتماعی جهانی" یک اجلاس باز با مشارکت وسیع جنبش‌های اجتماعی، شهروندی، مدنی، سازمان‌های غیردولتی، جنبش سندیکائی کارگری، طیف‌های گوناگون جنبش چپ و بالاخره

نمایندگان پارلمان‌هایی است که در محیط آزاد و بدون وجود هر نوع سانسور به تبادل نظر و تجربه پراخته، با احترام به اختلافات تلاش می‌کنند که مشترکات خود را در برابر تهاجم نئولیبرالیسم مشخص کرده و بر مبنای آن شبکه ارتباطی خود را برای پیکارهای آینده هر چه مستحکم‌تر سازند. و باز بر خلاف اجلاس داوز که اجتماع نخبگان جهان است "اجلاس اجتماعی جهانی" در برگیرنده جنبش‌های طبقاتی، شهروندی و مدنی از پائین علیه عواقب و آثار نئولیبرالیسم و نمایندگان آن‌ها می‌باشد. سازمان دهندگان اجلاس معتقدند که پس از کارزارهای «سیاتل»، «واشنگتن»، «میو»، «ملبورن»، «پراگ» و «نیس» اکنون زمان آن فراسیده است که ارتباط میان آحاد جنبش جدید ضدسرمایه‌داری از ارتباط از طریق شبکه جهانی اینترنت فراتر رفته و به ارتباط رویاروی میان شرکت‌کنندگان این جنبش تبدیل گردد. این ارتباطات که اثربخشی آن در یک سال گذشته آشکار شده است بر خلاف اجلاس داوز نه برای تازاندن دیکتاتوری بربرمنشانه بازار بلکه برای ساختن دنیای دیگر است. دنیای دیگر دینائی آزاد، برابر و همبسته که از طریق گسترش جنبش‌های طبقاتی، اجتماعی، شهروندی و مدنی در همه عرصه‌ها علیه تهاجم لجام‌گسیخته نئولیبرالیسم و از طریق افزایش پیکارهای متحد و مشترک امکان پذیر خواهد شد. نوام چامسکی، مارکوس رهبر زاپاتیست‌ها به این کنفرانس پیام داده‌اند و شخصیت‌هایی هم‌چون لولا رهبر حزب کارگران برزیل، ایگناسو رامونه سر ویراستار لوموند دیپلماتیک، سمیر آمین، طارق علی، ژوزه بوه (رهبر کنفدراسیون دهقانان فرانسه)، مشیل لوی، واندا شیوا (شخصیت پرآوازه هندی)، جویس پیکانه (رهبر کوساتو)، آلن لیپیتز (رهبر فکری جنبش سبز) و... بسیاری دیگر در این اجلاس شرکت خواهند کرد.

صدای کارگر

رادیوی سازمان کارگران انقلابی

ایران (راه کارگر)

هر شب در ساعت‌های ۱۹ و ۲۱ به وقت تهران روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابر ۴۲۰۰ کیلوهرتز پخش می‌شود.

ساعت‌ها و طول موج صدای کارگر را در سراسر ایران تبلیغ کنید!

صدای کارگر به عنوان تربیون چپ کارگری ایران، در انعکاس نظرات و نوشته‌های کسانی که برای آلترناتیو سوسیالیستی مبارزه می‌کنند، محدودیت تشکیلاتی ندارد.

پخش صدا یا نوشته و نظرات افراد بیرون از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) از صدای کارگر الزاماً به معنای هم‌کاری آن‌ها با این سازمان نیست.

نمایی تراژیک و رویایی که باد ترانه‌اش می‌کند

نامه‌ی جمعی ۱۱۰۰ پناهنده از وان-ترکیه!

به مقابله با رژیم‌های بر خاسته‌ایم که با یاس‌ها جز با داس سخن نگفته و نمی‌گویند. قصابان حاکم بر کشتارگاه اسلامی، عرصه کار و پیکار و زندگی را چنان به خون آغشته‌اند که دیگر ما را تاب زیستن در ایران و یا بازگشت به آن دیار نیست. به ناگزیر، در پی یافتن مکانی امن برای کار و پیکار و زندگی، پابره‌ننه قدم در راه UN نهادیم، غافل از آنکه، خارکن نباید با پای برهنه راه برود. از همان روزهای نخست دریافتیم که آسمان UN، آن چنان از ابرهای تیره پناهنده‌ستیزی انباشته است که چشم چشم را نمی‌بیند. تیغ کُند و زنگار گرفته پذیرش، مصاحبه و قبولی، چنان تن و روان پناهنده را ریش‌ریش می‌کند که فریاد ابن‌مقفع را نیز درآورده‌است. اما شمشیر بُرا و تیز رد و پرونده بسته، چنان گردن می‌زند، آن هم از کمر، که سامورایی‌ها نیز انگشت به دهان مانده‌اند. مصاحبه اما، خود داستانی دارد شیرین‌تر از حکایت بردار کردن حسنک وزیر، که نقل آن بی‌ضرر نیست. اولین حقیقتی که پناهجو درمی‌یابد، آن است که در این میدان، نه خبری از تفهیم حقوق پناهنده است، و نه خبری از برسمیت‌شناختن حق انتخاب وکیل و مترجم. پس از چند دقیقه مصاحبه، پناهجو تازه کشف می‌کند که آن که بر مسند وکالت تکیه زده، بازجوست و نه وکیل، بازجویی که بر این باور است که همه پناهجویان دروغ می‌گویند، حتی اگر خلافتش ثابت شود. از هنرهای هفت‌گانه مترجم، همین بس که پناهجو می‌گوید: استغفراله، او ترجمه می‌کند: از سقف برو بالا!

اما هرچه آسمان پذیرش UN تیره است، آسمان کمک‌های مالی، درمانی و بهداشتی‌اش، پاک است. دریغ از یک تکه ابر پول‌زا. پناهنده ناگزیر است در جستجوی لقمه نانی که سفره‌اش را رنگین می‌کند، به هر کار و ناکاری تن دهد، اما این‌جا نه خبری از کار قانونی هست، و نه تن دادن به ناکار، کار هر پناهنده‌ای ست. به هنگام بیماری نیز بهترین نسخه، نه دارودرمانی، که طی طریق وادی درد است. در این میدان اگر پیروز گردی، گویندت گردی.

آلونک‌های حاشیه شهر وان، مکان جان‌کندن پناهنده‌ای ست که از خون جنون‌کده اسلامی گریخته و در انتظاری کشنده، پشت درهای بسته UN، زیر پای‌اش علف سبز شده، پناهنده‌ای که خسته و فروریخته، شب را در آوارکده‌ای باید صبح کند که ناله حزن‌آلود فراق چکه از سقف، خواب در چشم ترش می‌شکند و نم دیوارش، از تن فرتوت پناهنده، خشکی را می‌بلعد.

کودکان پناهنده، دیری ست از شهر شکلات و دنیای تلویزیون و فضای سبز و نیمکت مدرسه، به دنیای فرار و بی‌پناهی و UN و امنیت، پرتاب شده‌اند. نام‌هایی که بر گوش و زبان آنان طی این سال‌ها جراحی شده، نه تام و جری، بلکه UN، امنیت و مامان، مارکو و پناهنده مصطفی و Vadad و سلطان خان است.

سه‌شنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها، ساعت ۸ تا ۱۰، وقت هواخوری زنان، این زندانیان آلونک‌های حاشیه شهر است که دوان دوان خود را به صف طویل امنیت می‌رسانند تا با یک یا دو امضاء، دفتر حضور و غیاب امنیت را سپاه کنند. البته آنچه عوض دارد، گلایه ندارد، یعنی آن‌که، بعضی مواقع هم امنیت پناهندگان را کبود می‌کند! زیر بار واقعیت تیره زندگی پناهندگی، میل سبز زندگی از سیمای زنان، کفش و کلاه کرده و رفته. زنانی که علیه اندرونی شوریده‌اند، اسیر اندرونی شده‌اند که بیرونی ندارد. ای وای از اسیری کز یاد رفته‌باشد.

پس از این همه خوشی، آنچه دل پناهجو را می‌زند، اخذ هزینه سرسام‌آور صدور خروجی و کیملیک (شناسنامه) از طرف امنیت است. راستی راستی که این دیگر قوز بالا قوز است. ما نان نداریم بخوریم، این‌ها پیاز برای مان سفارش می‌دهند.

این نمایی از سریال تراژیک ما پناهندگان و پناهجویان وان است، اما رویایی که امیدواریم باد روزی ترانه‌اش کند، آن است که هر انسانی آزاد باشد هر کجا دل تنگش می‌خواهد، زندگی کند، بدون UN، بدون مصاحبه، بدون پاسپورت و ویزا.

ما پناهندگان و پناهجویان شهر وان، علیه این شرایط تراژیک و غیرانسانی، معترضیم و وجدان آگاه و معترض همه انسان‌ها در سراسر جهان را به یاری خود می‌خوانیم. نیک می‌دانیم که بی‌دریغ، دست یاری به سوی ما دراز خواهید کرد. پرتوان باد داستان یاری‌دهنده شما! دسامبر ۲۰۰۰-ترکیه

پناهجویان مقیم شهر وان در ترکیه، اخیراً خواست‌های خود را در یک قطع‌نامه ۱۸ ماده‌ای تنظیم و برای تشکل‌های مدافع حقوق پناهندگان در کشورهای پناهنده‌پذیر فرستاده‌اند. متن کامل این قطع‌نامه به شرح زیر می‌باشد:

آنچه ما

می‌خواهیم!

- ۱- برسمیت‌شناختن بی‌قید و شرط تمامی پناهجویان به عنوان پناهنده از سوی (UN).
- ۲- رسیدگی فوری به تقاضای پناهندگی و انتقال به کشور سوم.
- ۳- پذیرش و به جریان انداختن سریع پرونده پناهجویانی که جواب رد دریافت کرده‌اند و یا پرونده آنها بسته شده‌است.
- ۴- پذیرش بی‌قید و شرط پناهندگان ایرانی که از کردستان عراق آمده‌اند و انتقال فوری آنها به کشور سوم.
- ۵- پذیرش فوری و توجه ویژه به تقاضای پناهندگی زنانی که کیس ستم جنسی ارائه داده‌اند.
- ۶- تفهیم روشن و مستند دلایل رد تقاضای پناهجو، از طرف مقامات مسئول (UN).
- ۷- تفهیم حقوق پناهجو توسط وکیل، قبل از مصاحبه و رعایت کامل آن حقوق، توسط وکیل و مترجم.
- ۸- برسمیت‌شناختن حق انتخاب وکیل و مترجم توسط پناهجو برای مصاحبه.
- ۹- گسترش دامنه کشورهای پناهنده‌پذیر، در پذیرش پناهنده از کشور ترکیه.
- ۱۰- افزایش میزان پذیرش پناهنده در کشورهای پناهنده‌پذیر.
- ۱۱- انتقال فوری به کشور سوم، پس از مصاحبه و پذیرش سفارت.
- ۱۲- ممنوعیت بی‌قید و شرط دیپورت پناهجو تحت هر عنوان، بویژه در شرایط فعلی، قطع فوری دیپورت عراقی‌ها.
- ۱۳- قطع فوری هزینه سرسام‌آور صدور خروجی و کیملیک (شناسنامه) از سوی امنیت.
- ۱۴- کاهش روزهای امضاء در امنیت، از دو روز به یک روز در ماه.
- ۱۵- احترام به شأن و اعتبار پناهنده از سوی پرسنل امنیت و (UN) و پی‌گیری موارد نقض آن، توسط مقامات مسئول.
- ۱۶- انتقال هرچه سریعتر از شهر وان به شهر آنکارا و شهرهای مجاور آن.
- ۱۷- تأمین هزینه‌های جاری زندگی، درمان و بهداشت از سوی (UN) تا انتقال به کشور سوم.
- ۱۸- تهیه امکانات و تأمین هزینه‌های لازم برای آموزش و پرورش کودکان پناهنده. دسامبر ۲۰۰۰